

عنوان مقاله:

تبیین زمینه های اخلاقی برنامه ریزی در چارچوب نظریه پسااثبات باوری؛ موردپژوهی: برنامه های توسعه پنج ساله

محل انتشار:

فصلنامه راهبرد فرهنگ، دوره 13، شماره 52 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

نویسندگان:

بهزاد ملک پور اصل - استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

علی اصغر قائمی نیا - دکترای اقتصاد اسلامی دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

یافته های جدید فلاسفه علم، مفاهیم اثباتی در خصوص شمول شرایط شناخت، خنثی بودن مشاهده و استقلال داده ها از تفاسیر نظری، همچنین تمایز میان علوم طبیعی و اجتماعی را مورد پرسش و چالش جدی قرار داده است. در مقابل رهیافت اثباتی، داده ها، نظریه ها و انتظام های مختلف همچون علم اخلاق به عنوان بخشی از زمینه های گسترده اجتماعی و تاریخی بسط یافته اند. این تاثیر چشم گیر به کمک رهیافت های مختلف، از جمله رهیافت های مشارکتی، پسا نوباو و نو عمل باوری شکل گرفته است. تحولات مذکور در حوزه اندیشه، علوم اجتماعی و برنامه ریزی را به موقعیت پسااثبات باوری سوق داد و زمینه های اخلاقی برنامه ریزی را پررنگ تر نموده و این تاثیر در زمینه کاربست برنامه ریزی نیز قابل ردیابی است. هدف از این مقاله بیان ویژگی های نظریه برنامه ریزی در چارچوب پسااثبات باوری و تبیین زمینه های ورود اخلاق به عرصه برنامه ریزی به مفهوم کلی و چگونگی اثرگذاری آن بر فرآیند برنامه ریزی است. دستاورد مقاله ارائه روند کار نوین در فرآیند برنامه ریزی مبتنی بر توجه به زمینه های نوین اخلاقی است که آن را از فرآیند های پیشین که رها از ارزش محسوب می شدند، متمایز می کند. همچنین به منظور انضمامی کردن ادعای مقاله، رهیافت غالب برنامه ریزی پنج ساله توسعه در کشور به عنوان یکی از اسناد برنامه ریزی میان مدت مورد مذاقه قرار گرفته است؛ به طوری که رها از ارزش بودن این برنامه ها نیز قابل ردیابی بوده و نیاز ضروری به بازنگری این منظر را آشکار می سازد.

کلمات کلیدی:

اثبات باوری، پسااثبات باوری، اخلاق، برنامه ریزی پسااثبات باورانه، برنامه های توسعه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1451454>

